



تمدن امروز میراث کل بشریت است!
 ابوالحسن یاسر
 رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان



نشست شورای عالی مدیریت بحران برگزار گردید.



نشست شورای عالی مدیریت بحران که منبعت از اراده اکثریت فرماندهان و صاحب نظران حرکت اسلامی میباشد به میزبانی حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان دایر گردید...



ما به هماهنگی نیاز داریم. نه رقابت های شکننده!

سرمقاله



شب های یگ آدم پیر

اسحاق جواد



همسایه نان گرمش را به ما نمی دهد.

سید اسحاق شجاعی



مبارزه با فساد

(فساد اداری - مواد مخدر)

غلام علی صارم

ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا؟

سخن نغزفارسی



پاکستان در افغانستان بسیار کرده است. شایان یاد آوری می دانم که، عبدالله هم بعد از سفر به اسلام آباد، امید واری به کمک آن در فرایند صلح کرده بود. برخلاف خواست او، پاکستان جنگ و ترور را در هلمند داغ کرد تا نما پش دهد که وعده های دروغین می دهد. طرفه اینکه، طالبان یک موشک به سفارت ایران هم شلیک کرده اند تا حرمت پایگاه دهی آن به خود در زاهدان و مشهد و تهران را کند! بنا بر آن به سردمداران وطنی می گویم که در فکر بهبود حکومت داری شوند نه کمک پاکستان به گفت و گوهای بی دستاورد صلح! در اخیر، به جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می کنم که حمله موشکی طالبان به سفارت خود در کابل را جدی گرفته به پاس هم دینی و هم فرهنگی و همزبانی ایران و افغانستان، پایگاه های طالبان را در مناطق مربوطه خود بسته و کمک در مهار تروریسم طالبانی پاکستانی نماید.

عمران خان به اشرف غنی وعده کمک به گفت و گوهای صلح را داد و نظامی های پاکستانی به طالبان امرشلیک ۲۳ موشک به کابل را دادند! شلیک ۲۳ موشک به بخش های مختلف شهر کابل توسط طالبان و شهید و زخمی کردن انسان های بی گناه و تحمیل زیان های مالی به کابل های جنگ و تروریسم و حکومت داری فاسد زده، تحفه سفر اخیر عمران خان نخست وزیر پاکستان به کابل و این ابراز نظر خوش بینا نه ای اشرف غنی میزبان او می باشد که بعد از رفتن او از کابل گفته بود: بعد از صلح ادغام جنگجویان طالبان در ساختار دفاعی مشکل عمده حکومت اومی باشد. جالب این است که، پیشتر ها طالبان یک یا دو موشک به سوی کابل پرتاب می کردند، اما بعد از سفر عمران خان به کابل، ۲۳ موشک به سوی بخش های مختلف آن پرتاب کرده خوش بینی غنی به روند صلح را ضرب صفر کرد. بلی، از این گونه بربری گری ها و عمل نکردن مخالف وعده ها

آنداره کارنا



انفجار بامیان خبر درنگ و ممان دهند

حادثه انفجار و شهادت جمعی از بمبوتانان مظلوم و زخمی شدن تعدادی ما را سخت متأثر ساخت.

نخست به شهدای عزیز این حادثه خونین بهشت برین و به مجروحین شقایع عابد و کامل از بارگاه حضرت حق (ج) استدعای غایب و ثانیاً به مردم شهرت و شجاع ولایت بامیان بخارش می نمایم که وحدت و یکپارچگی خود را در برابر دشمن زبون و ذلیل که در دانه بالایی شان حمله می کنند حفظ و هویشارانه عمل نماید. همکاری و هماهنگی با نیروهای امنیتی و مسئولین ولایت می تواند یکی از راه های جلوگیری از آخرین حوادث باشد.

اعضای سیاست رهبری و منوبین حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان به همه خانواده های شهدا تسلیت عرض و به مجروحین طلب شقایع عابد از بارگاه خداوند متعال ج نموده و خود را شریک غم تک تک خانواده های داغدار میدانند. والسلام

ابوالحسن یاسر

رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان





سرمقاله

ما به هماهنگی نیاز داریم ، نه رقابت های شکننده!

از دید تبار اینطرف کابل جدا از اینکه شرمهوا از کثافات و راه بندی های تحمیلی ، آلودگی محیط زیست و بدتر از همه از جمله نا امن ترین شهر با حتی نسبت به ولایات کشور گردیده بود. زدنی ، راه گیری های شبانه و روزانه و حتی قتل یک انسان بخاطر یک موبایل ، اختطاف ، موتور زدنی و کورگان گیری همه به یک امر عادی تبدیل شده بود. کار بجایی رسید که معاون اول رئیس جمهور موظف گردید تا امنیت پایتخت را بوسیله افراد مربوطه تامین نماید ، ایشان به همراه طرخی همراه با مسئولین ادارات امنیتی کار را آغاز نمودند. تا آنجا که تعدادی از مجرمین توقیف و تعدادی هم متواری و یا مخفی گردیده اند ، چنین نتیجه گیری میشود که فعالیت های ایشان شمر بخش بوده و واقعا میزان جرایم بصورت قابل ملاحظه ای میان یافته است ، روزهاست که بخاطر یک موبایل کسی به قتل رسیده است . جا دارد از ایشان تقدیر و تشکر عمل آید. باید یاد آور شد که بعضا سخنانی که در بررسی های عوامل نا امنی گفته شده برای بعضی هلال آور بوده است . مثلاً در جریان کار های صورت گرفته این موضوع که بعضی از بزرگان خود وسیله ترویج و توسعه جرایم گردیده است ، این بیان به تعدادی از وکلای محترم پارلمان حساسیت برانگیز بوده است و بهر و صدا های رادرنی داشت ، آقای صالح این موضوع را توضیح داده و گفتند که منظور تعداد محدودی است . البته اینها باید گفت : این که جمعی از وکلای محترم خود قانون می شکنند خلاف نیست و نمونه آشکارش موتور های به اصطلاح یک کله و دارای پلمت های و ج است ، این نوع پلمت در کجای قانون ترافیک کشور که از جانب پارلمان محترم به تصویب رسیده است میباشد؟ البته در امر قانون شکنی این عده از وکلای محترم تنها نیستند که ما کمکت انتقاد و حفظ بسوی ایشان را هست نایم . و اما در شرایط فعلی که کشور در نهایت نا امنی و در معرض معامله های که برای آینده استقلال و حیثیت و عزت کشور خطر آفرین است و کشور کاهل در یک وضعیت شکننده قرار دارد ما در جهت هماهنگی و هم بسویی تاکید نموده و موارد آتی را به عنوان پیشنهاد به مسئولین محترم قوای هلاله ارائه می نایم : ۱- حل مشکلات با بعضی از اجزای و گروه های سیاسی و مدنی . ۲- حل مشکل و رفع تنش های موجود با شخصیت های مطرح و کار آ که به نسوی از دولت فاصله گرفته و یادارند . ۳- ایجاد هماهنگی بین قوای سه گانه . (اینها باید یقین داشت که امر زمیش از حرمان دیگر هماهنگی بین قوای هلاله نیازی به نهایت جدی است) با توجه به شرایط و وضعیت موجود ، و به منظور حفظ عزت و اقتدار کشور و با توجه به اینکه بزرگان باید برای مردم خود پیل شوند و با توجه به دشمنی های و هلاله بعضی از کشور ها اعم از روسیه و غیره علیه و با توجه به شرایط اضطراری پیش آمده مواردی را که عرض کردیم آنرا مخصوصا در شرایط فعلی جدی و ضروری میدانیم .

نشست شورای عالی مدیریت بحران برگزار گردید.



نشست شورای عالی مدیریت بحران که منبعث از اراده اکثریت فرماندهان و صاحب نظران حرکت اسلامی میباشد به میزبانی حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان دایر گردید.

در نشست متذکره روی اجندای مورد بحث متناسب با اوضاع سیاسی-امنیتی دیدگاه ها و نظرات مبتنی بر استراتژی امنیتی-سیاسی شرایط بحران حاکم بر کشور مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. در این نشست محترم ابوالحسین یاسر رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان شرایط شکننده ای امنیتی را به سود کشور و مردم ندانسته خواستار انسجام و هماهنگی اعضای شورای عالی مدیریت بحران در جهت مدیریت دفاع از مردم و ارزشهای پذیرفته شده ملی در شرایط کنونی گردیدند.

جلسه با تصامیم مقتضی در رابطه با اجندای تعریف شده و اتحاد دعا برای شهداء مظلوم افغانستان به پایان رسید.

ریاست سیاسی

کابل-۶ قوس ۱۳۹۹

شب های یک آدم پیر

نویسنده: اسحاق جواد

تلاش کنید که لیاقت آنرا دارد ، به جای اینکه تمام هنر تانرا جهت خوش نگهداشتن یک مقام بلند رتبه به خرج داده اید کمی از آن

ترسیدم اما هیچ کدام اتفاق نیافتد ، زندگی آنگونه که شما پیش بینی می کنید به پش نمی رود ، بیابید آینده را از من بپرسید ، من



برف ها از کنار پنجره به سرعت عبور می کند و در آن نصف های شب همه به خواب رفته اند جز آن پیر مردی که خوابش نمی برد و با خودش حرف می زند: این چه بود که گذشت؟ یک عمر تلاش ، یک عمر برای دیگران زندگی کردن و پیوسته به دنبال نان و رتبه علمی بودن.

آی مردم! چرا هیچ کسی بیدار نمی شود؟ من در حال رفتن هستم ، چند شب بیشتر در این دنیا نخواهم بود اما دلم می خواهد در این روز های آخر زندگی دیگران را از خواب بیدار کنم.

من کیستم؟ پیرمرد تنهایی با حرف های تکراری و چند سند ماستری که حالا به درد هیچ چیزی نمی خورد. هیچ کسی از صنفی هایم زنده نیست ، آنکه با دیدنش تپش های قلبم بیشتر میشد و تنها کسی بود که مرا در روز های دشوار پیری رها نکرد و هر هفته به دیدنم می آمد تا آن صنفی هایی که به ظاهر همدیگر را دوست داشتیم ولی در دل هر کدام ما تلاش می کردیم تا برتری های خود را به رخ همدیگر بکشیم. حالا همه رفته اند.

آی مردم! بیدار شوید ، آنگونه که شما فکر می کنید نیست ، روزی فرا خواهد رسید که بزرگترین شادمانی تان این خواهد بود که هر دو پای شما بتواند شما را تا رفتن به نانوائی یاری کند ، روزی فرا خواهد رسید که چشم ها دیگر آنچنان روشنی شانرا از دست می دهند که همه چیز را از عقب یک شیشه غبار آلود خواهید دید ، روزی می رسد که افسوس خواهید خورد که چرا نخندیدم ، چرا در وظیفه غیر حاضری نکردم ، چرا با آن زن پیر ننشستم و برایش نگفتم: عاشقت هستم ، تو برابرم همان گونه زیبا هستی مانند روزی که برای نخستین بار ترا دیده بودم. اکنون که صدای نفس هایش دیگر در این خانه شنیده نمی شود دیوار ها از طرف شب به هیولا های بزرگ تبدیل می شوند که هر لحظه می خواهند تو را ببلعند ، کاش او زنده می بود ، آن زبان جنگی ها نیز لذت خاصی داشت ، وقتی او از مادر خودش دفاع می کرد و تو از مادر خودت جهان رنگ دیگری به خود می گرفت.

آی مردم! زندگی آنگونه نیست که شما فکر می کنید ، تا چشم به هم زدید دیگر نیستید ، من از چیز های زیادی در زندگی می

هنر برای گرم ساختن کانون خانواده تان مصرف می کردید. این رییس ها یکی پی دیگری در زندگی انسان می آیند و می روند ، حتی بعضی از آنها شاید نام شما را نیز یاد نداشته باشند پس نباید بار بار در مقابل شان خم شوید و بلند شوید.

برای یک آدم پیر شب پرماجرا است ، او می ترسد ، او از کار هایش پشیمان است ، او به شدت پشت فرزندانش دق می شود ، او به شدت نفس تنگ می شود ، او سردی را قوی تر از دیگران احساس می کند و او از مرگ وحشت دارد.

شب های یک آدم پیر مانند شب های سایر مردم نیست. شب هایی است که تازه انسان می داند من کیستم و چرا چنین زندگی کرده ام؟

برای شما خواهم گفت که در این هفتاد سال زندگی هرچه فکر می کردم آنگونه نشد ، و آنچه شد من آنرا حتی فکر هم نمی کردم. من اگر می توانستم بار دیگر جوان شوم در زمان حال زندگی می کردم ، به روی همه می خندیدم و تا می توانستم به دیگران مهربانی هدیه می دادم.

آی مردمی که در این شب برفی همه به خواب رفته اید! شما برای آدم ها مهم نیستید ، آنها شب و روز در مورد شما بحث نمی کنند ، یک سردری آنها از مرگ شما برای آنها مهم تر است ، وقتی نباشید به زودی فراموش می شوید ، وقتی به فرزندان تان نیاز پیدا کنید دیگر در کنار تان نیستند ، همان اندازه فدا کاری کنید که آخر عمر پشیمان نشوید و همان اندازه برای راضی نگهداشتن رییس تان

صاحب امتیاز: حرکت اسلامی متحد افغانستان (حاما)
مدیر مسول: غلام علی صارم
سر دبیر: محمد عیسی سروش
گزارشگران: حاما
گروه نویسندگان: عزیزالله طهماسی، انجنیرمحمدعسکر فلاح،
فرهاد محض یار
طراح: محمدشفیع علیزاده
نشانی:
کارته سه، کوچه مقابل ناحیه شش شاروالی، دست راست خانه سوم
نشانی برقی: info@uaimp.com
Web: www.uaimp.com

در سوک باصیان
پایان آتش نزار، مژدات کرد
سلی بی پنجره، مژدات کرد
کوبیده از زل و تخریب تاب فرودمردار، مژدات کرد
شاد و لای و سمال با هم، شست ششمار مژدات کرد
سر شوی اینس و سران تپ کرک کشمیر کردار، مژدات کرد
عالی بی شور و نظام و ننگ نگر مال اشوار، مژدات کرد
جنگ اشگر امام، سراج و مشرق صلح با لشکر کردار، مژدات کرد
برچ بر می و در تصویر نجات آواز، تصویر منک و مژدات کرد
برچون منک و این فرزند نثرین نغمه نکر اوار، مژدات کرد
غم شرمیم، این تم غمی باو نیست، اودنار، مژدات کرد
چاشنی و شاپور ۱۳۹۹/۷/۵



حاما در ویرایش و پیرایش مطالب دست باز دارد
به جز سخنی با خواننده، مسوولیت دیگر
نیشته ها به نویسندگان آن برمی گردد.

WWW.UAIMP.COM

مبارزه با فساد

(فساد اداری- مواد مخدر)

((فساد را با هیاهو و سروصدا نمیتوان از بین برد. بلکه از بین بردن فساد تدبیر و استراتژی میخواید))



غلام علی صارم

یک مامور باداشتن عائله و زندگی در خانه کرایه چگونه می تواند با دو هزارو یادوهزار و پنجد صد افغانی یاجیزی بیشتر از آن یک ماه را سپری کند. وزرای محترم هر کدام جدااز معاش ماهانه دهها هزار افغانی خرج دسترخوان می گیرند
کمیسونی که بخاطر مبارزه با ارتشا ایجاد کرده اند ، این خود فساد است زیرا مجبورند که به اینها يك قسمت از بودجه دولت را مصرف کنند تا در مواقع اخذ رشوت دیگران چون دزد گیر اتومات آجیر بکشند. این راه چاره نیست ، به نظر ما گام اول در اصلاحات ، اصلاح سیستم است و گام بعدی در راستای محو رشوت ، تنها راه چاره تامین مامور است و تازمانیکه مامور تامین نشود، رشوه همچنان با قوت خود در ادارات باقی خواهد بود، اگر به مامور خانه داده شود، مصرفش طبق سنجش و با در نظرداشتن تعداد عائله اش پرداخت شود ، به اولادش زمینه تحصیل فراهم شود ، بیمه صحتی شود،خود بخود رشوت گم خواهد شد و در این صورت تعقیب و برخورد قانونی و شرعی هم بجا و به مورد خواهد بود.
امیدواریم روزی فرارسد که همه کارمندان دولتی ما از لحاظ اقتصادی و معیشتی از بودجه دولت تامین گردیده و ادارات دولتی از همه گونه های فساد پاک و بی آرایش باشد.

یک از افراد جامعه مسوولیت دارد ، معلوم است وقتی در یک جامعه به تعداد بیکاران افزوده شد ، فساد دامنگیر آن جامعه می گردد که مسوولیت آن مستقیم بدوش اداره آن جامعه است.
ما در ارتباط تقیص های بی رویه در ادارات بارها تذکر دادیم و همیشه هم خواهیم گفت که اینگونه تقیص آوردن در ادارات يك حرکت کاملاً ناشیانه و یا مغرضانه است و جامعه را به فساد می کشاند. در قبال آن طرح خود را هم گفتیم ، و اصلاحات اداری را يك ضرورت برای افغانستان میدانیم اما نه به این شیوه.
دراین ارتباط يك نمونه میتوان تقیص دکتوران را از تشکیل وزارت صحت عامه ذکر کرد، در حالیکه هزاران نقطه از کشور ما از نداشتن داکتر و دوا رنج میبرند ولی در کابل داکتران به عنوان افراد اضافی از بست منفک می گردند!!!!
موضوع داغتر از همه گونه های فساد ، موضوع رشوه ستانی است ، اینجا نیز باید در پی انگیزه برآمد، چه باعث می شود که یک کارمند دولت با توجه به آن شعری که می گوید:
(دست طلب چوپیش کسان میکنی دراز
پل بسته ای که بگذری از آبروی خویش)
پیش يك نفر از مراجعین دست دراز می کند و از او چیزی طلب می کند و در اینکار دیده شده که حتی تاسر حد گروگان گیری می رسد ، یعنی تا رشوت ندهد کارش را انجام نمی دهند.
به نظر من زمینه ساز این وضعیت در ادارات باز هم دولتمردان است

بیشتر از این در باب کلمات فساد و اداری گیر نخواهد آمد.
با توجه به معنی کلمات فسادو اداری آنطوریکه صرف از رشوه ستانی در ادارات نامبرده میشود ، نیست ، بلکه رشوت يك گوشه ای از فساد اداری است.
ما اگر میخواهیم فساد اداری را بررسی کنیم و در پی اصلاح آن برآئیم به عقیده من باید در پی عوامل و انگیزه های آن برآئیم ، تصمیم های که بدون ارزیابی و تامل و تعمق و بر مبنای احساسات و یا به مشوره متخصص مآبانی که اصلاً نه وضعیت کشور مارا میدانند و نه واقعاً متخصص هستند دردی را دوا نخواهد کرد. زیرا آنطوریکه ما مطالعه می کنیم ، می گوئیم که مشاوران صاحبان همه بیسواد هستند ، ولی رشته های تحصیل فرق میکنند و گاه گاهی همان داستان معروف شیخ بهائی را بیاد می آورد:
میگویند شیخ بهائی عالم مشهور از لحاظ جسمانی خیلی ضعیف بوده ولی شهرت و آوازه اش خیلی زیاد. چند باری که به در بار خلیفه مراجعه کرده که من شیخ بهائی هستم ، نگهبانان او را از همان دم در عقب زدند که دیوانه شدی ، بالاخره او هم به بازار رفت و ندافی را پیدا کرد که جثه عظیم و ریش انبوهی داشت ، از او پرسید که درآمد روزانه ات چند است ، به او دو برابر پیشنهاد کرد و گفت هر چه گفتم اطاعت کن، اوهم قبول کرد ، شیخ نداف را به حمام برد، او را لباس سفید پوشاند و عمامه مرتب به سرش گذاشت، و گفت میرویم نزد خلیفه تو بگو من شیخ بهائی هستم ، نداف گفت : من بیسواد هستم، شیخ گفت مهم نیست ، هرچه از تو پرسید بگو که شاگردم جواب می گوید . وقتی بدربار رفتند ، همینکه گفت من شیخ بهائی هستم مورد احترام و استقبال قرار گرفت در محضر خلیفه هم آنطوریکه شیخ گفته بود، هر چه می رسید او می گفت شاگرد بگو، خلیفه متوجه شد که شاگرد به این حد فهمیده ، استاد چگونه خواهد بود! روزی خلیفه تصمیم گرفت که با استفاده از نظریات شیخ شهر را آباد و باز سازی نماید ، مردم را هم خبر کردند وقتی حرکت کردند در موقع حرکت، ازدحام مردم باعث شد که نداف در کنار خلیفه و شیخ واقعی عقب بماند، شیخ در بین ازدحام گم شد، خلیفه پرسید جناب شیخ اینجا را چه درست کنیم خوبست ؟ او گفت شاگرد بگوید، هرچه جستجو کردند، شاگرد را نیافتند. خلیفه دلنگ شد گفت خیر امروز خود بگوئید مهم نیست که شاگرد نیست، بالاخره او حاضر به جواب دادن گردیده و گفت اینجا را دکان ندافی درست کنید خوب موقعیت دارد ، حرکت کردند جای دیگر را پرسید باز او همان جواب را داد؛ خلاصه هر جا را که خلیفه گفت چه درست کنیم او گفت دکان ندافی ، خلیفه حوصله اش سرآمد و گفت که این شهر را شهر ندافی درست کنیم ؟
امروز در اکثر موارد ما هم گرفتار این مصیبت هستیم و عوامل آنهم روشن است که خدا مارا رهائی بخشد و این گونه برخورد ها ، خود باعث ایجاد بی نظمی در اداره گردیده ، و بی نظمی و پراکندگی در کار اداره هم خود فساد اداری است، مسئله اصلاح اداره را آنطوریکه گفته میشود، کاری که ده نفر لازم دارد پنجاه نفر در آن توظیف شده باید اداره را اصلاح کرد یعنی چهل نفر اضافی را با تقیص نمودن باید دور انداخت، به نظر ما این اصلاح نیست و به ذات خود اینکار خود زمینه ساز ایجاد فساد است . درست است که این افراد دیگر داخل اداره نیستند، ولی در اجتماع هستند، از جامعه افغانی کسی نمی تواند آنها را تقیص کند. و از طرفی مسوولیت حکومت هم در چهار چوب چند وزارت خانه و گرفتن تکس و مالیات و توزیع معاش کارمندان خودش خلاصه می شود ، بلکه در برابر يك

مقدمه:
مشکل عمده ای که از سالها به اینطرف افغانستان را تقریباً از بسیار مسایل دور و در انزوا قرار داده ،موضوع فساد در ادارات دولتی است ، و با تاسف که این همه اکثراً در سطوح بالا می باشد. اینکار باعث گردیده تا افغانستان بعنوان کشوری معرفی گردد که در ان حاکمیت فساد پیش از هر کاری و چیزی بیشتر است. موضوع دیگری که افغانستان را بیشتر به بد نامی کشانده است موضوع تولید و قاچاق مواد مخدر است. دولت طی يك دهه ای که گذشته درین راستا مبارزاتی را انجام داده است، اما بنظر ما این مبارزات نه با يك استراتژی صحیح و سالم آغاز شده، و نه در ادامه اینکار صورت گرفته و نه حالا کسی در پی آن است. ده سال مبارزه با فساد اداری، صرف میلیونها دالر کمک های خارجی ، نه تنها فساد را نابود نکرد بلکه در اکثر جا ها باعث ایجاد گونه های جدید فساد گردید و همچنان در راستای مبارزه با مواد مخدر علاوه بر يك معینیت در وزارت داخله، يك وزارت مستقل بخاطر مبارزه با این پدیده شوم ایجاد کردند، اما با تأسف وقتی آمار های رسمی را که از طرف مجامع بین المللی تهیه گردیده، مطالعه کنیم، نه تنها این پدیده ضد بشریت محو نشده، بلکه میزان تولید آن حتی نسبت به زمان حاکمیت طالبان که می گفتند در کلیه ولایات کشور تریاک کشت می شود، بالا رفته است. در ادامه مطالب این مجموعه ما به بررسی انگیزه های این دو پدیده خواهیم پرداخت و همچنان در راستای مبارزه با آنها طرح های را که تهیه دیده ایم به خوانندگان محترم ارائه خواهیم کرد.
ما روش موجود مبارزه با فساد اداری و مبارزه با مواد مخدر را يك روش نا کار آمد دانستیم و میدانیم، و مبارزه با این دو پدیده را هم يك امر ضروری می پنداریم و آنرا برای همه يك مسوولیت میدانیم و از همین جهت بارها و بارها مطالبی را بصورت پراکنده ارائه داشتیم و اینک با توجه به ضرورت این موضوع همه مطالب و طرح های را که در جهت بهبود وضعیت مبارزه با این دو مشکل در دست داریم به خوانندگان و هموطنان عزیز خود ارائه میداریم امیدوارم که اینکار به عنوان گامی در جهت خیر و صلاح وطن از ما بحساب آید.
فساداداری !!!

زندگی نامه شهید محمد موسی میرزایی

شهید محمد موسی میرزایی در یک خانواده متدین و علم پرور در ولایت بلخ چشم به جهان گشود و تعلیمات ابتدائی را در مدرسه ساحه مربوط تکمیل نموده و در ضمن فراگیری تعلیمات و تحصیلات عالی اوضاع و رویدادهای جاری کشور را نیز دنبال مینمودند.
فرمانده شهید «میرزایی» بر اساس مسوولیت اسلامی و با دکن از اوضاع سیاسی مذهبی کشور بعد از کودتا تا نگین ۷ ثور سال ۱۳۵۷ بر صفوف مجاهدین حرکت اسلامی افغانستان پیوسته و با سایر مجاهدین حرکت اسلامی افغانستان دفاع مسلحانه را علیه قوای اشغالگر شوروی و قوت بر راه انداخته و با برادران در تمام جهات جهاد و دفاع ملت مسلمان افغانستان سهم گرفته و حضور فعال داشتند.

فرمانده شهید محمد موسی میرزایی در عملیات مسلحانه که بر علیه قوای اشغالگر شوروی و قوت انجام دادند و تلفات و خسارات زیادی را بر نیروهای شوروی اشغالگر وارد نموده بودند بتاريخ ۲۳ / ۸ / ۱۳۶۷ با جمیع دیگر از همسنگران شان بدرجه رفیع شهادت نایل شدند. روح شان شاد و یادشان گرامی باد!



یکی از مسایلی که طی یک دهه اخیر تبلیغات زیاد پیرامون آن صورت گرفته است ، موضوع فساد اداری است. ما اولاً میخواهیم بدانیم که فساد اداری یعنی چه ؟ و باوجودیکه بزرگان مملکت یک کمیسونی بخاطر مبارزه با این امر ایجاد کرده اند و کمیسونی دیگر باصلاحیت تر از آن بنام اصلاحات اداری درست شده با آنهم طغیان این فساد کم کم همه چیز را در حال غرق کردن است . علت و انگیزه چیست؟ و آیا اینکه انجام کار ها در ادارات بدون رشوت صورت می گیرد ، فساد اداری تنها همین است یا ابعاد گسترده تری داشته و موضوع بزرگتر و پیچیده تر از این است ؟ اولاً معنی تحت اللفظ این دو کلمه :
فساد: تباه شدن ، تباهی ، پوسیدگی ، فتنه و آشوب ، ظلم ، لهو و لعب .
اداری : منسوب به اداره ، اداره : نظم دادن ، ترتیب و وفق کردن ، کار گردانی بخشی از هر وزارتخانه که صلاحیت انجام دادن امور معینی را دارد و خود به دایره ها تقسیم میشود(اداره فرهنگ ، اداره احصائیه و...) سازمان دولت را از لحاظ کلی اداره نامند و به این معنی مترادف با دولت است و اداری در حقوق اداری به همین معنی است.
در لغت نامه های دیگر چه قدیم و چه جدید مثل قیثات اللغات و دهخدا هم اگر مراجعه کنیم چیزی